

عوامل فرهنگی و اجتماعی گسترش و تثبیت تشیع امامیه در مازندران

چکیده

امروزه اهمیت عوامل فرهنگی و اجتماعی و تاثیر آنان در همه جنبه‌های زندگی انسان از جمله مذهب برای همگان روشن است. از آنجایی که مازندران نیز سرزمینی کهن است که در اعصار مختلف با فرهنگ‌های مختلف روبرو بوده که مهم‌ترین آن‌ها مذهب تشیع است، - چنانچه پیدایش تشیع در شرق خلافت اسلامی در سده‌های نخستین با حضور علویان شیعی مذهب رقم خورد- پژوهش حاضر با بررسی عوامل شکل‌گیری تشیع در مازندران در پی پاسخ به این سوال اساسی است که کدام عوامل فرهنگی و اجتماعی در گسترش و تثبیت تشیع امامیه در مازندران موثر بوده‌اند؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه صورت گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عوامل فرهنگی مانند فعالیت عالمان شیعی، نقش ادیبان و شعرا، همگرایی تصوف با تشیع، احترام به سادات، هنر، معماری و اماکن مذهبی؛ همچنین عوامل اجتماعی هم‌چون کارکرد اجتماعی بقاع و مزارات و شعائر رایج مذهبی در گسترش و تشیع امامیه در مازندران موثر بوده است.

کلیدواژه: عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، تشیع، امامیه، مازندران.

مقدمه

با غلبه اعراب مسلمان بر ایران، جامعه ایران بخشی از جهان اسلام به شمار آمد و مذهب غالب، یعنی تسنن پذیرفته شد، ولی این امر مانع از شکل‌گیری مذهب تشیع نشد، چنان‌که در مازندران با فعالیت‌ها و تلاش‌های مختلفی که صورت گرفت، تشیع مذهب غالب آن نواحی شد و این امر فارغ از ماهیت مذهب تشیع، متأثر از ویژگی‌هایی چون اوضاع فرهنگی و اجتماعی بود؛ زیرا با توجه به ویژگی‌های خاص جغرافیایی تاریخی مازندران می‌توان نتیجه گرفت که ورود مذهب تشیع فقط با روش‌های خاصی می‌توانست صورت بگیرد و به‌طور یقین تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی در این باره را نمی‌توان انکار کرد. و این خود عوامل مهمی برای پذیرش آیین تشیع در مازندران بود و مردم مازندران، روح خود را با اسلام به‌خصوص شیعه سازگار دیدند و توجه بیشتری به خاندان رسالت نمودند و معنای حقیقی اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند. با وجود تأثیر چنین عواملی جز در مواردی نادر نقش عوامل فرهنگی اجتماعی در پیدایش تشیع در مازندران نادیده گرفته شده است و به صورت پراکنده و ذیل موضوع‌های دیگر به عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز اشاره شده است، بنابراین در پژوهش حاضر با بررسی نقش عوامل مذکور در گسترش مذهب تشیع در مازندران علاوه بر شناسایی مؤلفه‌های مهم فرهنگی اجتماعی در این باره به تأثیری که این عوامل می‌تواند در تمام اعصار در حفظ مذهب تشیع و انتقال آن به تمامی جوامع داشته باشد پی خواهیم برد.

مفهوم‌شناسی مازندران یا (تبرستان)

قسمتی از سواحل جنوبی و جنوب شرقی دریای خزر که در تقسیمات کشوری به استان مازندران و استان گلستان تقسیم گردیده است، در طول تاریخ مازندران و به خصوص در ادواری از تاریخ ایران اسلامی به طبرستان مشهور گشته است. (اعتمادالسلطنه، بی‌تا، ص ۱۱۰). با این وجود، در معنای واژه‌های مازندران و طبرستان، ابهامات و تفاوت‌هایی در منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی مشاهده شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف: تبرستان: در وجه نام گذاری تبرستان چند دیدگاه وجود دارد که بعضی از آن‌ها، مورد اشاره قرار می‌گیرد. قدیمی‌ترین مأخذی که مفهوم واژه تبرستان را ارائه نموده است، معجم البلدان یاقوت می‌باشد. بر اساس این معجم واژه تبرستان مرکب از طبر و استان می‌باشد و از آن جایی که اهالی این خطه با خود طبر (وسیله بریدن) حمل می‌نمودند، این منطقه، طبرستان نام گرفته است. (حموی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۰). از نظر خواند میر طبر در زبان طبری به معنای کوه می‌باشد. (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۸). ظهیرالدین مرعشی معتقد است که به زبان طبری، طبر، کوه را گویند، بنابراین تبرستان یعنی کوهستان. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۵)

ب: مازندران: مازندران نیز از نام‌هایی است که در طول تاریخ بر تبرستان اطلاق شده است. ابن اسفندیار گوید: «مازندران به حد مغرب است و به معنای ناحیه درون کوه موز است و کوه موز کوهی است که از حد گیلان تالار و قصران و جاجرم و طبرستان امتداد دارد». (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۵۶). یاقوت حموی چنین گوید: «طبرستان در بلاد معروف مازندران است که در کتب قدیم این لفظ را ندیدم و نمی‌دانم از کی رایج شده است و شک نیست که مازندران همان طبرستان است». (حموی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۶). آنچه مسلم است اینکه از دوره مغول به بعد به مرور لفظ مازندران جایگزین تبرستان گردید گرچه پیش از آن نیز گاه لفظ مازندران استفاده می‌شد. چنانکه در شاهنامه فردوسی بارها نام مازندران آمده است. امروزه مازندران معمولاً به همان معنای تبرستان به کار می‌رود و نام تبرستان کاملاً منسوخ گردید.

بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی گسترش تشیع در مازندران

در این بخش مقاله، مهم‌ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی که در گسترش تشیع در مازندران نقش داشته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- عوامل فرهنگی

از عوامل فرهنگی که در گسترش تشیع نقش بارزی داشتند، می‌توان به نقش علما، نقش ادیبان و شعرا، همگونی تصوف و تشیع، احترام به سادات و همچنین اماکن مذهبی اشاره نمود که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- نقش عالمان شیعی در گسترش تشیع

مذهب تشیع اثنی عشری در زنجیره به‌هم‌پیوسته سیاسی - مذهبی آشکار گشت و در این تجلی خدمات عالمان شیعی در رشد و گسترش آن غیر قابل تردید می‌باشد.

با توجه به اینکه از چگونگی تأثیرگذاری بیشتر این علما در حوزه مذهبی در مازندران اطلاع دقیقی در دست نیست و نمی‌توان به تأثیر احتمالی آن‌ها در رشد و گسترش گرایش امامی در مازندران پی برد؛ اما با توجه به اینکه آن‌ها کودکی و نوجوانی را در این خطه سپری نمودند و تعلیمات اولیه را از علمای مازندران فراگرفتند. پس به احتمال قوی باید تأثیرگذار بوده باشد.

۱-۱-۱- شیخ بالوی زاهد (د ۷۳۰ ه.ق)

شیخ بالوی زاهد، صوفی و عارف بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم (درگذشت ۷۳۰) است. شیخ بالوی زاهد آملی، بنوشته میرظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، از پیران پیشوای درویشان طبرستان بود که با یازده واسطه رشته رهبری معنوی خود را به بایزید بسطامی می‌رسانید. (مرعشی، ۱۳۴۷، ص ۳۳۰). زمان بالوی زاهد دوره ایلخانان مغول (مانند دوره ابوسعید بهادر خان) بود که ستم‌های بی‌پایان آن وحشیان و ویرانگران در ایران کارد را به استخوان مردم رسانده، زمینه شورش‌ها را در گوشه و کنار و از جمله شمال ایران را فراهم می‌ساخت. از این دید بالوی زاهد را باید از سردستانان فکری جنبش درویشان انقلابی آن زمان که جنبش سربداران یکی از اشکال آن بوده بشمار آورد. چراکه بالوی زاهد استاد شیخ خلیفه مازندرانی که خرقة رهبری درویشی را از بالوی دریافت کرد؛ به‌طور غیرمستقیم استاد شیخ حسن جوری رهبر قیام شیعی سربداران خراسان و او استاد سید عزالدین سوغندی و او استاد میر قوام الدین مرعشی رهبر قیام سادات مرعشیان مازندران و او استاد امیرکیای ملاطی رهبر قیام سادات لاهیجی گیلان است؛ بنابراین بالو پدر فکری قیام سربداران، مرعشیان مازندران و سادات لاهیجی گیلان بود. شاید روستای بالو محله پیرامون ساری که امروزه به همین نام برجا است و مسجد بالو که در دهستان ناتل مازندران بوده یادگاری از بالو و پیروان او باشد. (ستوده، ۱۳۷۴، ص ۴۳۸). قبر این زاهد و عارف امروزه، در آهو دشت چمستان نور واقع است.

۱-۲- عمادالدین طبری (د ۶۹۸ ه.ق)

از دیگر عالمان شیعه حسن بن علی بن احمد بن علی بن حسن طبری است که به عمادالدین و عماد الاسلام ملقب بوده است. تاریخ ولادت وی معلوم نمی‌باشد اما زمان وفات او در سال ۶۹۸ قمری بوده است. ایشان با خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی و علامه حلی هم عصر بود و با آن‌ها ارتباط نیز داشت. عمادالدین در سال‌های زندگی خود به بروجرد، قم و اصفهان سفر کرد. عالمان

بزرگی مانند شهید اول و شهید ثانی و قاضی نورالله شوشتری در آثار خویش از وی به بزرگی یاد نموده‌اند. (افندی اصفهانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۵) معارف الحقایق، اسرارالامامه و کامل بهایی که در مورد حقوق ازدست‌رفته امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندان آن حضرت می‌باشد، از آثاری است که از عمادالدین بر جا مانده است. عمادالدین را بیش‌تر باید فقیهی متشرع دانست وی در آثار خود به صوفیان از جمله منصور حلاج، بایزید بسطامی و شیخ شبلی نقدهای جدی وارد نموده است (افندی اصفهانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۶).

۱-۱-۳- تقی الدین آملی (زنده در ۷۰۹ ه.ق)

تقی الدین آملی، از دیگر علمای امامی مازندران است. وی مقدمات علوم را در زادگاهش آمل گذراند و سپس راهی حوزه‌های دیگر ایران شد. پس از چندین سال جهت تکمیل علوم به عتبات رفت و از محضر اساتید برجسته آن روزگار بهره جست. (رئیزی آنتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷). وی فقه و اصول را از علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین محمد بن حسن حلی آموخت. پس از پیمودن مدارج عالی اجتهاد متصدی فتوا و تدریس شد و ریاست عامه داشت. درباره تاریخ تولد وی که در آمل روی داده است آگاهی درستی نداریم؛ اما تاریخ اجازه اجتهاد حدود دهه‌های پایانی قرن هفتم هجری نام برده‌اند. (افندی اصفهانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳). بنابراین دوران شکوفایی علمی وی را باید سال‌های نخست قرن هشتم دانست. ظهور تقی الدین آملی در شهر آمل از حضور مذهب امامیه در شهر آمل خبر می‌دهد در حالی که شهر آمل از دیربها تحت سلطه عالمان اهل سنت به خصوص شافعی‌ها بود.

۱-۱-۴- شیخ خلیفه (د ۷۳۶ ه.ق)

شیخ خلیفه از دیگر عالمان اهل مازندران بود. که برای مدتی مرید و پیرو شیخ بالوی زاهد شد که در آمل زندگی می‌کرد. اما وی به ماندن در حضور شیخ بالوی زاهد قناعت نکرد بلکه پس از مدتی همنشینی با شیخ رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی را انتخاب کرد ولی چون علاءالدوله سمنانی از مذهب او اطلاع پیدا کرد. (میرخواند، ۱۳۳۳، ج ۵، ص ۶۰۵). او را طرد نمود و شیخ خلیفه در طلب مطلوب خویش از شهری به شهر دیگر سفر کرد تا به سبزوار رسید و در آن‌جا در مسجدی اقامت نمود. او که تنها نشستن و وعظ نمودن را جایز نمی‌دانست، با تأسی از اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام که برای اسلام و علیه ظلم و ستم قیام کرده بودند مبارزه با ظلم و فساد را تبلیغ می‌نمود و مردم را به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و از بین بردن ظلم و ستم بشارت می‌داده است. (آژند، ۱۳۶۳، ص ۷۶). روستاییانی که مورد ستم واقع شده بودند برای احقاق حق خویش و مبارزه با حکومت وقت به او پیوستند در این زمان، شیخ حسن جوری که بعد از تحصیل در علوم دینی به مقام معلمی رسیده بود و پیروان بسیار داشت مرید او گردید. پیوستن حسن جوری به او و تعالیم شیعی و صوفیانه شیخ که باحال و هوای اجتماعی و پرخاش‌گویی علیه ظلم حاکمان درآمیخته بود. (مرعشی، ۱۳۴۷، ص ۳۳۴). چنان ترس را در قلب حکام و فقها انباشته بود که به دنبال مناقشه و دشمنی بودند. (آژند، ۱۳۶۳، ص ۷۵). لکن چون نتوانستند علناً به کشتن شیخ اقدام کنند، در خفا دسیسه کردند و به قول میر خواند: «دراثنای این اوقات شیخ خلیفه را بامدادی از ستون به حلق آویخته یافتند و خشتی چند در زیرستون بر یکدیگر چیده دیدند، چنان‌که شخصی خود را به ریسمان آویخته باشد». (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۵، ص ۴۵۰). در تأثیرگذاری شیخ در رشد و گسترش تشیع در مازندران، همین بس که تعالیم میرقوام الدین برگرفته از تعالیم شیعی و صوفیانه شیخ خلیفه می‌باشد.

۱-۱-۵- شیخ محمد الطبری (د ۷۰۷ ه. ق)

کنیه اش شمس الدین و یکی از بزرگان و رهروان طریقت و از پیروان نزدیک شیخ سعد الدین محمد حموی است و محمد مراغه‌ای او را بی‌اندازه ستوده و از گرویدگان وی بوده است. شیخ محمد آملی در زمان الجایتو سلطان محمد خدابنده (۷۱۶ ق) مدرس مدرسه سلطانیه بود و با قاضی عضالدین ایجی (م: ۷۵۶ ق) همواره طریق مناظره و مجادله می‌پیمود. سال درگذشتش ۷۰۷ ق در تبریز روی داد و گور او چسبیده به کوچه قاسم بیگ و با گور خواجه نجم الدین برگ باف یکجاست. (برزگر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵). درباره تأثیرگذاری وی در حوزه دینی و مذهبی در مازندران هیچ اطلاعی در دست نیست.

۱-۱-۶- آملی طبری (زنده در پایان سده هشتم)

محمد بن محمود آملی طبری یکی از بزرگان شیعه در دوره پادشاهی اولجایتو سلطان محمد خدابنده و از استادان مدرسه سلطانیه بغداد است. محمد تا سال‌های نزدیک به پایان سده هشتم هجری زنده بود و سفرهای بسیار کرد و در دو زبان فارسی و تازی کتاب‌های بسیار نوشت. شرح کلیات طب سید شرف‌الدین ایلاقی و شرح مختصرالاصول ابن صاحب که قاضی عضالدین ایجی برای مردم تسنن نوشته و محمد آن را رد کرده است و دیگر کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون فی علوم الاوائل و الاواخر به فارسی و در آن از هر رشته علوم و فنون از آثار وی است..

۱-۱-۷- خواجه عماد کجیج (هشتم هجری)

خواجه عمادالدین عبدالله معروف به خواجه امام عماد کجیج خواجه آملی، عالم پرهیزکار و محدث و فقیهی عالم در علم اصول به درجه کمال در قرن هشتم هجری بود. وی در عراق به تعلیم و تربیت مشغول بود و پس از آن به وطن اصلی خود، آمل بازگشت و در یکی از مدارس آن زمان به تدریس مشغول شد، سپس به نجف رفت و در آنجا مقیم شد. تألیفاتش مربوط به ذکر اخبار و روایاتی در اثبات منزلت پیشوایان شیعه و مقام و منزلت تشیع است. کتاب بشاره المصطفی لشیهه المرتضی اثر اوست. (حقیقت، ۱۳۷۵، ص ۱۳۲)

۱-۱-۸- سید رکن‌الدین آملی (د ۸۶۰ ه. ق)

سید رکن‌الدین آملی از دیگر عالمانی است که در حکومت مرعشیان حضور داشته است. وی مدتی را در فارس، کرمان و هندوستان زیست و عاقبت به هرات رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و مورد توجه و احترام خاص سلطان بایقرا قرار داشت. (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۵). سید رکن‌الدین علاوه بر تبحر در ریاضی و نجوم در فقه و حدیث نیز مهارت داشت. از این دانشمند آثار گران‌قدری به جای مانده است. مهم‌ترین تألیفات وی: زیج مفاتیح الاعمال-زیج جامع سعیدی به نام ابوسعید تیموری در تنقیح زیج ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی که آن را در سال (۸۶۰ ه. ق) نوشته است. (فرشاد، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۹۱۰). در چگونگی تعامل وی با خاندان مرعشی اطلاع دقیقی در دست نیست. تاریخ دقیق وفات وی به دست نیامد اما با توجه به بررسی‌های به عمل آمده می‌توان گفت که این شخصیت سرانجام بعد از سال (۸۶۰ ه. ق) دیده از جهان فروبست. (رئسی آنتی، ۱۳۴۸، ص ۲۴)

۱-۲- نقش ادیبان و شعرا در گسترش تشیع

شعر و نویسندگی یکی از ابزار بسیار راهگشا در نظام‌های تبلیغی می‌تواند باشد؛ زیرا زبانی نرم و دل‌نشین برای امر و نهی بوده که اثر سخن را می‌افزاید. از سوی دیگر این‌گونه سخن گفتن در فضای حاکم، برای شیعیان آسیب کمتری همراه داشت. در این بخش به نقش ادیبان و شعرا که در گسترش تشیع در مازندران نقش داشتند، می‌پردازیم:

۱-۲-۱- اولیاءالله آملی (زنده در ۸۰۵ ه. ق)

مولانا اولیاءالله آملی از مورخان و نویسندگان قرن هشتم هجری است. وی در آمل به دنیا آمد. او خود در مقدمه کتابش موسوم به «تاریخ رویان» اشاره صریح دارد بر آن‌که تولدش آمل بوده و در همین شهر به تحصیل علم پرداخت. (آملی، ۱۳۴۸، مقدمه). این مورخ مازندرانی مورد توجه ملک فخرالدوله حسن بن شاه کیخسرو پادشاه مازندران از سلسله باوندیان کینخواریه قرار داشته و به همین جهت به قول خودش در آمل دل‌خوش بود. (همان). اما پس از قتل ملک مزبور به دست پسران افراسیاب چلاوی در سال (۷۵۰ ق) که چند سال آمل معرض تاخت‌وتاز و قتل و غارت و ناامنی شد و اکثر اهالی جلای وطن اختیار کرده بودند وی نیز از آمل به رویان مهاجرت کرده و مورد احترام ابوالمعالی فخرالدوله شاه غازی زیاری کیخسرو از سلاطین پادوسبان واقع شد. (همان). چندی نگذشت که به پیشنهاد پادشاه رویان تصمیم به نگارش کتاب تاریخ رویان گرفت. و در سال (۷۶۴ ه. ق) نگارش آن را به پایان رساند. (برزگر، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۶). تاریخ درگذشت وی به درستی مشخص نیست ولی می‌توان گفت که پس از سال (۸۰۵ ه. ق) به فرزندان سید قوام الدین مرعشی اشاره دارد بنابراین باید گفت وی تا این سال بی‌گمان زنده بود. (شجاع شفیعی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳)

۱-۲-۲- سید ظهیرالدین مرعشی (د ۸۹۲ ه. ق)

سید ظهیرالدین مرعشی یکی از سیاستمداران و دانشمندان ایران است که به سال (۸۱۵ یا ۸۱۷ و یا ۸۱۸ ه. ق) در آمل دیده به جهان گشود. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۷۶). جد او میر قوام الدین مرعشی بود که در سال (۷۵۰ ه. ق) در مازندران قیام کرد و سلسله مرعشیان را پایه‌گذاری نمود. سید ظهیرالدین در خانواده‌ای اهل تقوا و علم و سیاست به دنیا آمد. وی توانست در نزد آل کیا صاحب مناصب و مقامات گردد و از جانب کار کیا میرزا علی جانشین کار کیا سلطان محمد به سپهسالاری ولایت گرجیان منصوب گردید و تا آخر عمر در همان رتبه و منصب باقی بوده است. (مدرسی، بی‌تا: ۸۰/۵). سید ظهیرالدین یکی از نویسندگان توانای عصر خود به شمار می‌رفت. او در دو اثر عمده به نام‌های تاریخ طبرستان و رویان و مازندران و تاریخ گیلان و دیلمستان دارد که درواقع این دو اثر مکمل یکدیگرند و جزء منابع معتبر مربوط به تاریخ سادات مازندران و گیلان محسوب می‌شوند. (آژند، ۱۳۶۳، ص ۱۱)

وی سرانجام در سال (۸۹۲ ه. ق) دیده از جهان فرو بست. (صمدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۳۴). و آثار او به جهت اهمیت و اشمال بر مطالب تاریخی از همان ابتدا مورد استفاده تاریخ‌نگاران بوده است. میر ظهیرالدین دو تن از علمای شهر آمل را در کتابشان متذکر شده‌اند به نام سید کمال‌الدین و سید عمادالدین که از سوی سید کمال‌الدین مرعشی و برادرش سید رضی‌الدین از قلعه ماهانه سر به ملاقات تیمور رفتند. سید کمال‌الدین از قلعه ماهانه سر و پیش از آن‌که خود تسلیم تیمور شود، دوعالم آملی، به نام‌های سید کمال‌الدین طویل و سید عمادالدین را با هدایا و تحف به نزد تیمور فرستادند و امان طلبیدند. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۲۳۴).

۱-۲-۳- حسین تنه‌یجانی (قرن هشتم هجری)

حسین بن حاجی تنه‌یجانی از خطاطان و کتیبه‌نویسان قرن هشتم هجری است. حکاکی روی در مقبره پلاسید در سادات‌محله رامسر نمونه‌ای از هنر خطاطی و کتیبه‌نویسی وی می‌باشد. (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰)

۱-۲-۴- امیرپازواری (قرن نهم هجری)

امیر پازواری از اهالی پازوار (روستای بین بابل و بابلسر) بود. او انسانی خداپرست بود که مذهب بر تمام زندگی او حاکم بود. این مسلمان متعهد، به شیعه بودن خود می‌بالید و عشق او به امامان معصوم علیهم‌السلام در سروده‌هایش آشکاراست. (عنایتی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). وی از سلسله سادات مرعشی می‌باشد؛ که از تبعیدشدگان بود و در دوره شاهرخ آزاد و به منطقه مازندران بازگشتند. هم‌چنین او از مشهورترین شاعر محلی سرا در تاریخ ادبیات مازندران است که کنزالاسرار دیوان شعر امیر پازواری به مازندرانی (تبری) است. برنهارد دارن اولین شخصی است که مجموعه اشعار وی را جمع‌آوری و تحت عنوان کنزالاسرار منتشر نمود (بشیرنژاد، ۱۳۸۳، ص ۴۸) از مضامینی که بیش از هر موضوع دیگری باعث ماندگاری شعر امیر شده است، ارادت وی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام است. (بشیرنژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

۱-۲-۵- شیخ حسن کاشی (د ۷۳۸ ه.ق)

شیخ حسن کاشی از عالمان و شاعران شیعی مذهب است که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری می‌زیسته و زادگاهش آمل است وی با سلطان محمد خدابنده معاصر بوده در تشیع وی نیز مؤثر بوده است. (شکراللهی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). به گفته میرزا عبدالله افندی، مورخ و کتابشناس برجسته، شیخ حسن نقشی مهم و تاثیرگذار در تشیع ایران در این دوره داشته است. نوشته‌ای با عنوان تاریخ محمدی یا تاریخ رشیدی یا تاریخ دوازده امام یا فهرست ائمه از ایشان برجای مانده که او این کتاب را در سال (۷۰۸ هجری) در حله و بغداد نوشته و به سلطان محمد خدابنده تقدیم نموده است. (استوری، ۱۳۶۲، ص ۸۹۹)

۱-۳- همگرایی تصوف با تشیع

ازجمله کارکردهای تفکر ایرانی در دوره مورد بحث، مسئله رشد و تقویت شیعه است. در حقیقت، هم‌گرایی و همراهی تعالیم شیعی و آموزه‌های صوفیانه از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های تاریخ تصوف از قرن هفتم هجری به بعد می‌باشد. به‌ویژه که این نزدیکی و قرابت از دلایل اصلی سیاسی شدن تصوف نیز محسوب می‌شود. تا پیش از این زمان تعارضات و همسویی‌هایی در بین این دو جریان مشاهده می‌شود. از عوامل همگرایی تصوف و تشیع می‌توان به عوامل فکری و عوامل سیاسی و اجتماعی اشاره کرد که در این بخش به بررسی آن خواهیم پرداخت:

۱-۳-۱- عوامل فکری

زمانی که مغولان وارد شدند گرایش عموم مردم به تصوف افزایش یافت. این اتفاق و گرایش را می‌توان نتیجه ظلم و غارت گسترده مغولان و عدم توانمندی ایرانی‌ها در مقابل آنان دانست. (ترکمنی آذر، ۱۳۷۹، ص ۷۵).

از طرف دیگر، فعالیت‌های ظلم ستیزانه بعضی از فرقه‌های تصوف در این دوره نمود بارزی دارد؛ شیخ نجم الدین کبری از متصوفان قرن هفتم از افرادی بود که با ورود مغولان به ایران، فعالیت‌های نظامی و سیاسی پیروان او، در ایران آغاز گردید بعد از قتل شیخ نجم الدین به دست مغول‌ها، مکتب او یعنی مکتب کبرویه در غرب ایران تشکیل شد و در سرتاسر آن منتشر گشت. مکتب کبرویه، پس از شیخ نجم الدین بیش از پیش جهت و رنگ شیعی به خود گرفت و تدریجاً زمینه روابط بهتر تسنن و تشیع را فراهم نمود (زرین کوب، ۱۳۶۲، ص ۸۸). سید بهاء الدین حیدر بن علی عبیدی آملی بزرگ‌ترین شخصیت شیعی است که میان مذهب امامی و جریان صوفی گری، آشتی و سازش برقرار نمود و حتی عرفان نسبی برای خود ترسیم کرد و ریشه آن را به بایزید بسطامی رساند. کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار مهم‌ترین اثر بازمانده از سید حیدر است که وی در آن توافق مشرب صوفیانه با مذهب امامی را به وضوح بررسی نموده است. (مادلونک، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۵۷۰) جامع الاسرار سید حیدر اوج تفکر عرفان شیعی را نمایان می‌سازد. (نصر، ۱۳۷۵، ص ۳۵). وی صوفیان را شیعیان خاص نامیده است. برخی از عالمان شیعی با این تفسیر و اعتقاد وی درباره تصوف مخالفت نمودند اما برخی دیگر موافق بودند و این موافقت در رشد تصوف شیعی تأثیرگذار بود. (حسینی، آقائوری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴)

۱-۳-۲- عوامل سیاسی و اجتماعی

وجود خانقاه‌های متعدد و رشد صوفی‌گری یکی از عوامل مهم نزدیک شدن تصوف به تشیع در این دوره بود. مردم به دلایلی از جمله وجود فشار بیش از حد مغول و از بین رفتن بیشتر جمعیت و ویرانی و اختلاف طبقاتی، از همه چیز ناامید شده بودند و برای تسکین دردها و حفظ دین و جان و مال خود به خانقاه پناه می‌بردند. از سوی دیگر بزرگان صوفی از این فرصت استفاده می‌نمودند و مردم را به خانقاه و زهد دعوت می‌کردند. در این جهت از گفته‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بهره می‌گرفتند. به همین خاطر الگو شدن کلمات حضرت در این دوره و دوره‌های قبل موجب گرایش به امیرالمؤمنین علیه السلام و تشیع گردید و صوفیان را به عنوان حامی شیعیان درآورده و تصوف کم‌کم صبغه‌ی شیعی به خود گرفت؛ و صوفیه، پایگاه اجتماعی ویژه‌ای در جامعه یافت و به پناهگاهی برای مردمی تبدیل شد که از یورش مغولان خسته شده بودند. بعدها این فرقه یکی از طرفداران شیعه، بلکه خود مروج شیعه شدند. کوشش بزرگانی از سلسله کبرویه و شیخیه جوویه و نیز، سید حیدر آملی و سید قوام سبب رواج چنین تفکری شد. سید قوام که از نهضت سربداران تأثیر گرفته و از سید عزالدین سوغندی لقب شیخی دریافت کرده بود، در پی راهکاری مناسب برای سامان دادن به اوضاع مازندران راهی این منطقه شد. بنابراین می‌توان گفت تعالیم سید قوام، همان تعالیم سید عزالدین سوغندی و ادامه طریقه‌ی شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری بود و چیزی جز مذهب تشیع انقلابی نبوده است که با ایدئولوژی اعتقاد به ظهور امام زمان (عج الله تعالی فرجه) تلفیق یافته بود. (آژند، ۱۳۶۳، ص ۲۷۲). هم‌چنین باید به حضور سادات مرعشی در مازندران اشاره نمود و در نهایت توجه امیران محلی به صوفیان و احترام مردم به این گروه، زمینه را برای آن‌ها مهیا کرد. مردم مازندران که تحت تأثیر تصوف واقعی که پشتوانه شیعی داشت قرار گرفتند و توانستند با رهبری و مرجعیت سید قوام الدین مرعشی، که صوفی شیعه و زاهدی عابد بود، به پیروزی رسیده و نهضتی تاریخی در مازندران برپا نمایند.

۱-۴- احترام به سادات

سادات افرادی بودند که نسبشان به امامان دوازده‌گانه شیعه می‌رسید. جایگاه و احترامی که مردم نواحی جلگه‌ای برای این طبقه قائل گشتند، دو بازتاب در تاریخ تبرستان داشته است.

نخست: گذشت زمان عامل تکریم سادات گشت.

دوم: این اعتقاد سبب شد، مازندران به عنوان خاستگاه و مقر دو حکومت محلی شیعه یعنی، علویان و مرعشیان در تاریخ ایران مطرح گردد.

سادات ساکن در طبرستان در دو برهه تاریخی به این ناحیه پناه آوردند. برهه اول در اوایل عصر عباسیان بر اثر آزار و اذیت دستگاه خلافت شیعیان پس از قیام یحیی بن زید در کوفه. (آملی، ۱۳۴۸: ص ۸۵). بسیاری از علویان به نقاط دوردست دستگاه خلافت گریختند. برهه دوم دوران ولایت عهدی امام هشتم، در خلافت مأمون عباسی است که بسیاری از سادات در مسیر حرکت به خراسان با خبر قتل امام مواجه شده و به نقاط دوردست از جمله طبرستان پناه بردند. با تشکیل دولت علویان طبرستان، بسیاری از سادات حسنی و حسینی از حجاز و عراق به این منطقه آمدند و در دستگاه علویان دارای مقامی گردیدند، عده‌ای نیز در همین نبردها به قتل رسیدند. (منتظرالقائم، ۱۳۹۴، ص ۲۴۶)

سادات پناهنده به مازندران، از فرهنگ و بسیاری از سنت‌های بومی منطقه تأثیر پذیرفتند. برای نمونه آنان به گویش محلی مازندران گفتگو نمودند. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۴). تحلیل و انسجام سادات با فرهنگ بومی ناحیه و اشتراک روحیه عدالت‌طلبی سادات با مردم ناحیه، از عوامل عمده جذب و اعتقاد مردم مازندران به سادات و تقدس آنان در افکار عمومی بوده است. انتساب بسیاری از سادات از جانب مادر به خاندان‌های محلی مازندران چون استنداران و باوندیان که مورد احترام و صاحب قدرت در منطقه بودند. را باید از دیگر عوامل پیوند و حرمت سادات و امامزادگان دانست. سید غیاث‌الدین و سید عبدالحق مدفون در ساری از جمله امامزاده‌هایی هستند که از جانب مادر به خاندان‌های محلی مازندران انتساب داده شده‌اند. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۴)

۱-۵- هنر و معماری

هنر و معماری یکی دیگر از ابزار بسیار کارآمد برای ارسال پیام‌های مختلف است. این ابزار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا با حس زیبادوستی انسان در ارتباط است و بر مخاطبان تأثیری عمیق دارد. در تشیع که شاخه‌ای از دین مبین اسلام است وظیفه هنر ایجاد فضای معنوی برخاسته از اندیشه‌های شیعی است. هنرمندان شیعی تلاش می‌کنند تا باورهای خویش را در پوشش آثاری زیبا به مخاطبان شیعی و غیر شیعی خود منتقل کنند. این کار به شیوه‌های مختلف مانند کتیبه‌های دینی و مذهبی در ابنیه، نقاشی و نگارگری، موسیقی، استفاده از برخی رنگ‌ها و یا با نورپردازی اماکن مقدس انجام می‌شود.

علاوه بر آرامگاه امامان و امامزادگان که در بررسی تاریخ روند هنر شیعه بسیار اهمیت دارند، صلواتیه‌های که در بنای امامزاده طاهر در روستای هزار خال بخش کجور در شهرستان نوشهر توسط کیومرث بن بیستون در سال ۸۲۹ هـ نوشته شده است همه مربوط به دوازده امام است. (ستوده، ج ۳، ص ۱۹۲). این کتیبه‌های باقی مانده از آرامگاه امامزادگان نشان از توجه سلاطین و بزرگان به این مکان‌ها دارد. این توجه از یک سو به معنای رواج تفکر شیعی است و از سوی دیگر عاملی در رونق بیشتر این اماکن و اندیشه و فرهنگ مربوط به آنهاست.

یکی دیگر از چیزهایی که به دست هنرمندان برای آرامگاه‌ها تهیه می‌شد، صندوق‌های چوبی مقابر بودند. این صندوق‌ها به دلیل اینکه برای قبور امامان و امامزادگان ساخته و منبت‌کاری می‌شدند، هنر شیعی محسوب می‌شوند. بر روی صندوق بقعه امامزاده قاسم در قائم‌شهر که در سال (۸۵۹ هـ. ق) تهیه شده پس از آیاتی از قرآن کریم، صلوات بر ائمه علیهم‌السلام نوشته شده است. (الویری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹). مرقد سید محمد دبیر کیار صالحانی در قریه صالحان در اطراف کجور قرار دارد؛ که در این بقعه دو صندوق بوده است. صندوق اول بعد از بسم الله، آیت‌الکرسی و صلوات بر پیامبر و ائمه اثنا عشر نوشته شده است. (ستوده، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳)

۱-۶- اماکن مذهبی

۱-۶-۱- مسجد

مسجد یکی از اماکن دینی و مقدس مسلمین است به همین دلیل است که این محل همیشه مورد توجه و احترام مسلمین بوده است. ساخت مسجد به منظور تجمع مسلمین برای عبادت ساخته شده است؛ اما در کنار کارکرد نیایشی خود از همان صدر اسلام نقش‌های دیگری نیز به عهده گرفته و تنها به این جنبه نیز محدود نشده است. تبلیغ و آموزش دو نمونه از کارکردهای مسجد هستند. (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۹). اولین مراکز آموزشی مساجد بود که در کنار دیگر فعالیت‌های اجتماعی امر تعلیم نیز در آنجا جریان داشت. بعد از آن مکتب‌خانه و مدارس معمول شد. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷). از این مطلب می‌شود فهمید در مسجد غیر از نماز کارهای آموزشی هم انجام می‌شد. در مازندران در این دوره تقریباً در تمام شهرهای مازندران مسجد وجود داشت. در کتاب مرعشی آمده است: پس از فتح دژ توجی، میر کمال‌الدین به ساری آمد و دستور طرح بنیاد مسجد در بیرون قلعه را داد. (مرعشی، ۱۳۴۷، ص ۱۹۵) متأسفانه در منابع به چیزی بیش از این دسترسی پیدا نکردیم. اینکه غیر از نماز، چه فعالیت مذهبی در مساجد مازندران در این دوره انجام می‌شده است، اطلاع دقیقی در دست نیست.

۱-۶-۲- مدارس

یکی از مظاهر فعالیت‌های آموزشی اماکن آموزشی است. در کنار مساجد و دیگر مکان‌های آموزشی مدارس نقش محوری دارند. در تاریخ غیر از مدرسه‌ای که ناصر کبیر در آمل بنا کرد و نیز نظامیه آمل، به تعدادی از مدارس برمی‌خوریم که از برخی از آن‌ها فقط نامشان در تاریخ باقی مانده است از جمله: مدرسه لنگا، مدرسه یحیی فقیه، و مدرسه بامسی که این مدرسه به روایت تاریخ قدیمی‌ترین مدرسه تنکابن است که در آبادی بامسی سخت‌سر (رامسر کنونی) قرار داشت و یکی از مدارس معمور و معروف قرن هشتم هجری در گیلان شرقی و مازندران غربی به شمار می‌آمد. درباره زمان دقیق احداث مدرسه و استادان و شاگردان مشهوری که در آن تعلیم یافته‌اند، اطلاعی در دست نیست. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۳، ص ۵۱۰). در منابع اگرچه ذکر مراکز آموزشی بسیار محدود صورت گرفته است، اما در بررسی به نام علمایی در این خطه برمی‌خوریم که قطعاً حضور علما در این دوره نشان از دانش‌دوستی مردم این سرزمین دارد.

۱-۶-۱- خانقاه

با توجه به اینکه همسویی تصوف با تشیع از عوامل گسترش این مذهب در ایران شمرده شده است پس خانقاه نیز پس از مسجد و مدرسه و مقبره سادات می‌تواند ابزاری تأثیرگذار در نشر تشیع در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم هجری شمرده شود. (کیانی، ۱۳۸۹، ص ۶۳) صوفیان از حدود قرن سوم هجری به تأسیس مراکزی ویژه خود برای تجمع و انجام مراسم آیینی روی آوردند و از قرن چهارم و پنجم هجری این مراکز گسترش و رسمیت یافت. (رازی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴).

۲. عوامل اجتماعی

از عوامل اجتماعی که در گسترش و تثبیت تشیع در مازندران تأثیرگذار بوده است می‌توان به کارکرد اجتماعی بقاع و مزار امامزادگان و شعائر مذهبی اشاره نمود.

۲-۱- کارکرد اجتماعی بقاع و مزارات

حضور اسلام در ایران دریچه جدیدی در حیات معنوی این سرزمین گشود که از ثمرات آن پرورش نسلی است که علاوه بر پیوند داشتن با بنیادهای فرهنگ ایرانی، با آیین و مبانی اسلام نیز عجین گشته است. در فرهنگ معنوی ایرانیان مسلمان محل شهادت شهیدان راه آزادی، عدالت و انسانیت به صورت زیارتگاه‌هایی درآمد که مورد احترام مردم قرار گرفتند. محل زیارت امام زادگان در سراسر ایران زمین، از جمله کانون‌های معنوی اسلام به شمار می‌روند. اغلب این امامزادگان از سادات شیعه علوی بودند که در پی اقتدار خلافت اموی تا پایان خلافت عباسی در مقابله با دستگاه خلافت، برای تحقق عدالت آل علی علیه السلام، به شهادت رسیدند. به طور کلی یکی از انگیزه‌های مهم در ساخت بقاع متبرکه، افکار شیعی می‌باشد که کانون اصلی آن در ایران بوده است. مردم ایران به خصوص مردم مازندران با توجه به سابقه طولانی که در فرهنگ و تمدن داشتند، بیش از هر ملت دیگر به روح اسلام توجه داشته، به همین دلیل توجه آن‌ها به خاندان رسالت، بیشتر از سایرین بوده است. به دنبال این امر تشیع با فرهنگ ایرانی پیوند یافت، چراکه فقط این خاندان پاسخگوی پرسش‌های واقعی روح ایرانی و نیاز آن‌ها که همانا اجرای عدالت و مساوات بدون تعصب است بودند. اعتقاد مردم به امامزاده‌ها و جایگاه این طبقه سبب می‌گشت از آسیب رساندن به آن خودداری کنند. لذا بسیاری از این اماکن از گزند حوادث در طول تاریخ حفظ گشت. (خلعتبری، ۱۳۶۲، ص ۴۰)

دوره مرعشیان (۷۶۰ - ۹۹۰ ق) مقبره‌ها به عنوان یک عامل سیاسی - مذهبی نقش مهمی را در تسلط قدرت آنان ایفا می‌کردند و انگیزه مهمی در ساخت آرامگاه‌ها در مازندران دوره مرعشی بوده است. هم‌چنین مرعشیان با حمایت از مذهب تشیع و احترام به سادات و ساخت مقبره برای آنان، نوعی جایگاه و پایگاه مردمی برای خویش فراهم کردند. شهر آمل به عنوان پایتخت علویان، مدفن حسن بن زید و محمد بن زید بوده است. علاوه بر این سادات مرعشی همواره در آمل از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. در دوران شاهرخ ساداتی که در زمان تیمور به ماوراءالنهر تبعید شده بودند، به مازندران بازگشتند و اقدام به بازسازی این شهر نمودند. (رابینو، ۱۳۶۵، ص ۷۰). این امر و به جا ماندن ابنیه کاربردی، از علویان و مرعشیان از جمله دلایل مورد احترام بودن سادات در این شهر بوده است. امامزاده‌های مطرح شهر آمل که از گذشته تا به امروز معتقدان فراوانی داشته و دارند و مورد زیارت مردم بوده‌اند، شامل مشهد میر بزرگ قوام الدین مرعشی، میرحیدر آملی، امامزاده ابراهیم و امامزاده عبدالله، (امامزاده عبدالله از ساداتی است که منابع قدیم و جدید به آن اشاره نموده‌اند. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۷۴). سید ابوالقاسم حسن حمزه علوی، اردشیر بن حسن، شیخ ابوالقصاب، شیخ خلیفه، شیخ بالوی زاهد می‌باشد. هم‌چنین باید به مدفن حسن بن زید و ناصر کبیر از سلاطین علوی اشاره کرد که مردم تا عصر قاجار در کنار استفاده از این موقوفات به زیارت مدفن وی نیز می‌رفته‌اند. (رابینو، ۱۳۶۵، ص ۷۴)

۲-۲- شعائر رایج مذهبی

از مهم‌ترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار در مازندران در این دوره، آداب و رسوم و شعائر مذهبی می‌باشد زیرا شیوع و ترویج همین آداب و رسوم در ایران منجر به تشکیل حکومت مقتدر شیعی صفوی پس از دوره زمانی موردبحث شد.

۲-۳- منقبت خوانی

از جمله رسوم شیعه رایج در ایران منقبت خوانی بود که به صورت علنی در مراکزی که شیعه حضوری قوی داشته، رواج داشته است. منقبت سرایی یعنی به نظم کشیدن فضیلت‌های اخلاقی و بزرگداشت، به نظم کشیدن و یاد کردن نیکی‌ها و بزرگی‌های ائمه اطهار علیه‌السلام. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۴۷)

مسئله عاشورا و سوگ سرایی یکی از نقاط برجسته تاریخ تشیع است. از آغاز قرن سوم هجری سروده‌های مناقبی و سوگ سروده‌ها در میان شاعران شیعی رونق یافت. آل‌بویه وقتی به دست علویان طبرستان شیعه شدند و حوزه قدرتشان گسترش یافت به احیا و گسترش آئین‌های شیعی روی آوردند و به مسئله عاشورا توجه ویژه داشتند و مراسم عزای حسینی را برپا می‌کردند که به احتمال از علویان طبرستان، آموخته بودند. بنا به نوشته مورخان در محرم ۳۵۲ هجری به فرمان معزالدوله دیلمی بازارها تعطیل شد و مردم آشکارا به عزاداری پرداختند و نوحه‌خوانی کردند. (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۱۲، ص ۵۰۹۱). سنت مناقب خوانی پیش‌تر از قرن ششم در میان شیعیان رواج داشت. عبدالجلیل رازی منقبت خوانی را در همه‌جا به‌ویژه در شهرهای شیعه‌نشین مانند قم، کاشان، سبزوار و مازندران رایج می‌داند. (رازی، ۱۳۳۱، ص ۱۵۰)

در دوره مغولان با حمایت غازان خان و خدابنده و شیعه شدن برخی حاکمان مغول، مراکز شیعی گسترش یافته، آیین‌های شیعی هم چون مناقب خوانی و مرثیه‌سرایی بار دیگر رواج یافت. (مظاهری، ۱۳۸۷، ص ۵۲). اوج ستایش ائمه در میان شیعیان در قرن هفتم و هشتم هجری می‌باشد. از نمونه‌های درخشان سروده‌های منقبتی در این دوره اثر ملاحسن کاشی آملی است. وی که از برجسته‌ترین شاعران اواخر قرن هفتم هجری است، ذوق سرودن را در مسیر مناقب سرایی نهاد. هفت‌بند او یکی از درخشان‌ترین سروده‌هاست. بیشتر تذکره نویسان او را مداح شاه ولایت و امام المتقین، علی علیه‌السلام و خاندان پاکش شمرده‌اند. (شکراللهی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲) در دوره تیموریان سنت مناقب خوانی و مرثیه‌سرایی ادامه یافت، شاعران بسیاری به مناقب سرایی روی آوردند. نظام استرآبادی، کمال‌الدین غیاث استرآبادی و... مدایح و مراثی بسیاری از خود به یادگار گذاشته‌اند. در قرن نهم هجری امیر پا زواری یکی از شاعرانی بود که در مدح اهل بیت شعری سرود. پس از کتاب روضه الشهداء از ملاحسین واعظ کاشفی و استقبال بی‌مانند از این کتاب و رونق گرفتن مجالس روضه الشهداء خواندن (روضه‌خوانی) به تدریج از مناقب خوانی کاسته شد و جای آن روضه‌خوانی قرار گرفت. (محجوب، ۱۳۶۲، ص ۴۲۰)

۲-۴- عزاداری عاشورا

شیعیان بعد از قرن‌ها خفقان و چالش با حاکمان خودکامه، در میانه‌های سده چهارم، به امنیت و آزادی درخور تحسینی برای برپایی مراسم مذهبی و عزاداری سالار شهیدان دست یافتند. به موازات شکل‌گیری سنت‌های رسمی تشیع، شیعیان روز عاشورا را تعزیت اعلام کرده و در دوران آل‌بویه به صورت مراسمی عظیم که تمام شهر را دربرمی گرفت رواج یافت. (ابن جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۵۰). متأسفانه مورخان محلی طبرستان، دیلمستان و مازندران همچون ابن اسفندیار و ظهیرالدین مرعشی، علی‌رغم سابقه دیرینه مذهب شیعه در این سرزمین و حضور سادات و حکومت علویان، خبری از برگزاری مراسم عاشورا در این مناطق نمی‌دهند. (ابن جوزی،

۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۷۸). اما با توجه به این که مرعشیان شیعه بودند می توان چنین گفت که تشکیل حکومت مرعشیان در منطقه مازندران با گرایش شیعی می توانسته زمینه های برگزاری مراسم عاشورا را فراهم کرده باشد. در نتیجه می توان گفت با توجه به این موضوع که در این دوره ها به عزاداری برای امام توسط دولت های محلی به صورت واضح و روشن اشاره نگشته است اما باید گفت سلسله مذکور مذهب شیعه داشته اند و به خاطر مذهب خویش به طور یقین برای امام در روزهای محرم و عاشورا عزاداری می کردند. این گفته مرعشی می تواند مؤید این مطلب باشد که در زمان مرعشیان مراسم عزاداری برگزار می شده است. به گفته مرعشی وقتی فرزند میر قوام الدین به نام سید عبدالله کشته شد میر قوام الدین دستور داد بدن فرزندش را مانند شهدای کربلا با پیراهن و لباس خونین دفن کنند تا با شهدای کربلا همسان شده باشد. (مرعشی، ۱۳۶۱، ص ۱۸۹). این عمل در واقع می توانسته سبب زنده نگه داشتن فضایل شهدای کربلا و تأثیرگذاری عمیقی بر آداب و مراسم و فرهنگ عزاداری شیعیان شده باشد. از طرف دیگر خود سلاطین ایلخانی و تیموری با این که اهل سنت بودند اما به سوگواری و عزاداری برای امام می پرداختند. همین طور وقتی که دولت های محلی برای گسترش مذهب شیعه در حرم امام به ساخت صحن ها و رواق ها مشغول شدند و تنها به این کار نیز بسنده نکرده و برای زیبایی و تزیین آن ها کوشیدند پس به احتمال زیاد باید حاکمان محلی به خصوص حاکمان مرعشی که حکومت شیعی داشتند و در زمان حکومت آن ها بیشتر شهرهای مازندران مذهب تشیع برای شهیدان کربلا و سالار شهیدان عزاداری و سوگواری می کردند اگرچه در تاریخ ثبت نشده است؛ و می توان گفت که آن ها در نهادینه شدن سنت های عاشورایی بسیار تلاش نموده اند.

۲-۵- برپایی نماز جمعه

برپایی نماز جمعه یکی از مهم ترین مسائل آن دوره بود. این موضوع از جنجالی ترین مسائل فقهی قرن هفتم محسوب می شود. (رازی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۵). در قرن هفتم ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان، از پریم و هزار گری (به طور جداگانه) در شمار شهرهایی از طبرستان که «مسجد جامع و مصلی و بازارها و قصبات و علما و منابر بردارند» یاد می کند. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۳، ص ۷۴).

۲-۶- رسم انتظار فرج

انتظار ظهور قائم آل محمد، امری است که شیعیان از همان ابتدا با آن آشنا بوده اند. وعده ظهور قائم از سوی امامان مکرراً بیان شده و از شیعیان درخواست گشته تا منتظر آمدن قائم و روز قیام باشند. انتظار مورد نظر به صورت رسمی خاص در شیعه درآمده و افراد بسیاری برای این که آمادگی خود را نشان دهند، تلاش می کردند تا به نحوی عمل نمایند تا این آمادگی را به اثبات برسد. چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های قرن هشتم در ایران خصوصاً مازندران بر پا داشتند بسیار مؤثر بوده است. یکی از اقدامات آل باوند در این بود که سکه به نام صاحب الزمان می کردند و خود را نایبان بر حق حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می نامیدند (شوشتری، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۸۶). درباره فضل الله استرآبادی رهبر حروفیه ادعای مهدویت شده است. درباره شیخ حسن جوری که از رهبران فکری جنبش شیخی بوده، گفته شده است که او هسته مرکزی فعالیت های خود را ظهور قریب الوقوع و نزدیک امام دوازدهم قرار داده و این که همه افراد باید خود را برای ظهور آن حضرت آماده سازند. (آژند، ۱۳۶۳، ص ۱۵). شیخ حسن جوری و مقتدای او شیخ خلیفه با تکیه بر ایدئولوژی تشیع و خصوصاً بعد مهدویت آن به مبارزه با ظلم و ستم بر می خواستند. تعالیم سید قوام الدین در مازندران در واقع همان تعالیم شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری بود که با ایدئولوژی اعتقاد به ظهور امام زمان تلفیق یافته بود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر عوامل اجتماعی و فرهنگی گسترش و تثبیت تشیع در مازندران مورد بررسی قرار گرفت. عوامل فرهنگی عبارتند از: فعالیت عالمان شیعی، نقش ادیبان و شعرا، همگرایی تصوف با تشیع، احترام به سادات، هنر و معماری و عوامل مذهبی؛ از مهم‌ترین عوامل اجتماعی نیز می‌توان به کارکرد اجتماعی بقاع و مزارات، شعائر رایج مذهبی اشاره نمود. به طور کلی درباره این عوامل باید گفت، نقشی که فرهنگ و اجتماع می‌تواند در رشد مذهب داشته باشد از اهمیت اساسی نسبت به عواملی مانند سیاست برخوردار است؛ زیرا در برخی موارد عوامل فرهنگی و اجتماعی دارای اثری معنوی بوده و بر روان افراد موثر خواهند بود از طرفی اثری که از خود به جای می‌گذارند از ماندگاری و دوام بیشتری برخوردار است و با گذشت زمان از اهمیت آنان کاسته نخواهد شد؛ چنانچه امروزی تأثیری کتبی که توسط عالمان آن زمان نوشته شده یا هنر و معماری و برگزاری شعائر دینی ... امروزه همچنان به قوت خود باقی مانده و در دنیایی که هر روز شاهد دین‌گریزی و فاصله گرفتن مردم از دین هستیم، همین عوامل هستند که می‌توانند به تجدید مذهب و نشر آن کمک نمایند، بنابراین مازندران به عنوان یکی از مناطقی که سهم عمده‌ای در گسترش تشیع اثناعشری در ایران داشته است و به‌عنوان یک پایگاه شیعه‌نشین، نقش ویژه‌ای در باورهای شیعی و اندیشه امامی در این سرزمین ایفا کرده است، سرشار از عناصر فرهنگی و اجتماعی است که به واسطه این عناصر توانسته است بر بسط مذهب تشیع نقش ویژه‌ای داشته باشد و باید با شناسایی و استفاده از این عناصر در حفظ مذهب تشیع کوشید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵)، **الکامل فی التاریخ**، دار صادر، بیروت.
۲. ابن اسفندیار (۱۳۶۳)، **تاریخ طبرستان**، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران، نشر کلاله خاور.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج (۱۹۹۲)، **المنتظم فی تاریخ الامم والملوک**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و...، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (بی تا)، **التدوین فی احوال جبال شروین**، چاپ اول، تهران، نشر فکر روز.
۵. آژند، یعقوب (۱۳۶۳)، **قیام شیعی سربداران**، چاپ اول، نشر گسترده.
۶. استوری، چارلز آمبروز (۱۳۶۲)، **ادبیات فارسی بر مبنای تالیف استوری**، مترجم، سیروس ایزدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. افندی اصفهانی، عبدالله (۱۳۶۶)، **ریاض العلماء**، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۸. آملی، اولیاءالله، (۱۳۴۸)، **تاریخ رویان**، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
۹. برزگر، اردشیر (۱۳۸۰)، **تاریخ تبرستان**، با تصحیح محمد شکری، رسانش.
۱۰. بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۳)، **شعر امیر و پویایی زبان مازندرانی**، مازندران، دانشگاه مازندران.
۱۱. تبریزی، ایرج (۱۳۸۵)، **فروغ مسجد، قم، ثقلین**.
۱۲. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۷۹)، **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران**، قم، مؤسسه شیعه شناسی.
۱۳. حموی، یاقوت (۱۴۱۰)، **معجم البلدان**، تحقیق فرید عبدالعزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۴. حسینی، محمد، آقانوری، علی (۱۳۹۴)، **همگونی تصوف با تشیع و کارکردهای اجتماعی سیاسی آن در مازندران، فصل نامه شیعی پژوهی**، سال اول، شماره سوم.
۱۵. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۵)، **نقش ایرانیان در تاریخ نمدن جهان**، تهران، انتشارات کومش.
۱۶. خلعتبری، مصطفی (۱۳۸۲)، **سیری در تاریخ علویان غرب مازندران**، تهران، نشر رسانش.
۱۷. خواندمیر (۱۳۳۹)، **روضه الصفا**، ترجمه غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
۱۸. رایینو، ق. ل. (۱۳۶۵)، **سفرنامه مازندران و استرآباد**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۱۹. رازی، امین احمد (۱۳۸۹)، **تذکره هفت اقلیم**، مترجم محمد رضا طاهری، چاپ دوم، تهران، نشر سروش.
۲۰. رازی، عبدالجلیل (۱۳۳۱)، **النقض**، بی تا.
۲۱. رشیدالدین، فضل الله (۱۹۴۰)، **تاریخ مبارک غازانی: داستان غازان خان**، تصحیح کارلیان، انگلستان: هرتفورد.
۲۲. رئیسی آتی، گلبرار (۱۳۸۴)، **دانشمندان مازندران**، ساری، نشر ترنم.

۲۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، **دنباله جستجو در تصوف ایران**، تهران، امیرکبیر.
۲۴. ستوده، منوچهر (۱۳۷۴)، **از آستارا تا استرآباد**، نوبت دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲۵. شجاع شفیعی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، **تاریخ هزارساله اسلام در نواحی شمال ایران از قرن دوم تا قرن دوازدهم هجری**، چاپ دوم، تهران، نشر اشاره.
۲۶. شکراللهی، احسان (۱۳۸۷)، **هشت بهشت از هفت بندکاشانی**، پیام بهارستان، زمستان و پاییز.
۲۷. شکراللهی، احسان (۱۳۸۷)، **هشت بهشت از هفت بند کاشی**، پیام بهارستان، پاییز و زمستان.
۲۸. شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۵۳)، **مجالس المؤمنین**، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۲۹. علیخانی، محمود (۱۳۹۶)، **مجموعه مقالات همایش تشیع و طبرستان، تهران**.
۳۰. عنایتی، احمدعلی (۱۳۹۱)، **امیرپازواری**، تهران، رسانش نوین.
۳۱. کیانی، محسن (۱۳۸۹)، **تاریخ خانقاه در ایران**، چاپ سوم، تهران، نشر طهوری.
۳۲. مادلونک، ویلفرد (۱۳۶۶)، **تاریخ ایران کمبریج**، تهران، امیرکبیر.
۳۳. محبوب، محمدجعفر (۱۳۶۲)، **از فضایل و مناقب خوانی تا روضه خوانی**، ایران نامه.
۳۴. محدثی خراسانی، (۱۳۸۸)، **شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**، تهران، مجتمع فرهنگی، عاشورا.
۳۵. مدرسی، محمدعلی (بی تا)، **ریحانه الادب**، چاپ دوم، تهران، نشر شفق.
۳۶. مرعشی، میر ظهیرالدین (۱۳۴۷)، **تاریخ گیلان و دیلمستان**، تحقیق منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
۳۷. مرعشی، میر ظهیرالدین (۱۳۶۱)، **تاریخ طبرستان**، رویان، مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران، نشر شرق.
۳۸. مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۷)، **رسانه شیعه، جامعه شناسی آیین های سوگواری و هیئت های مذهبی در ایران**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳۹. منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۴)، **تاریخ امامت**، چاپ ۲۵، قم، نشر معارف.
۴۰. نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، **تاریخ نظم و نثر در ایران**، تهران، فروغی.
۴۱. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵)، **تشیع و تصوف**، ترجمه غلامرضا اعوانی، مجموعه مقالات تهران، گروسی.
۴۲. همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۹۴)، **نام کتاب**، تهران، میراث مکتوب.
۴۳. الویری، محسن (۱۳۸۴)، **زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۴. یوسفی نیا، علی اصغر (۱۳۸۰)، **فرهنگ نام ها و نام آوران مازندران غربی**، چاپ اول، تنکابن، انتشارات تنکابن.